

سیاست تجاری اشتغال‌زا اولویت اصلی سیاست اقتصادی دولت

عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی اشتغال‌زایی را اولویت اصلی اقتصادی کشور ذکر کرد و گفت: اشتغال‌زایی یکی از مهمترین حوزه‌های سیاست‌گذاری بخش تجارت خارجی است.

به گزارش روابط عمومی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، امین مالکی در سخنرانی علمی با عنوان "سیاست تجاری و اهداف توسعه‌ای، اشتغال و فقرزدایی" بر بیکاری به عنوان مشکل اصلی اقتصاد ایران، تمرکز منافع حاصل از واردات و صادرات و همچنین عملکردهای دستگاه‌های متولی امر تجارت در کشور طی سال گذشته تاکید کرد.

وی اظهار کرد: راهبردهای تجاری در ایران در هر دو حوزه صادرات و واردات صرفاً به پاره‌ای اهداف کمی و کیفی خلاصه شده‌اند که بعضاً ارتباط منطقی به شکل راهبردی جامع در آنها دیده نمی‌شود.

مالکی تصریح کرد: عدم بکارگیری راهبردهای مشخص تجاری به نفع رشد اقتصادی و در راستای بسط منافع رشد و اشتغال، باعث شده تا دستگاه‌های متولی تجارت خارجی بیشتر متولی پاره‌ای امور بوروکراتیک باشند. وی ادامه داد: استفاده از ابزار تجاری در سطح خرد اقتصادی در ایران بسیار به ندرت تجربه شده است و در هدف‌گذاری‌های کلان نیز، صناعی مورد توجه قرار گرفته‌اند که برای کسب قابلیت‌های رقابت و کاهش هزینه تمام شده در حجمی بالا سرمایه‌های کاراندوز را مورد استفاده قرار داده و در پایین دست ظرفیت‌های اشتغال‌زایی پایین داشته‌اند. صادرات در این بخش به جز کسب درآمد ارزی منفعت دیگری از جنبه کلان اقتصادی برای کل جامعه ندارد.

عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی گفت: چنانچه شرایط بیکاری در کشور و سیل آتی ورود به بازار کار و حجیم‌تر شدن ارتش بیکاران و دور ماندن بخش بیشتری از جمعیت کشور از منافع رشد اقتصادی مدنظر قرار گیرد، ضرورت اتخاذ راهبرد معین تجربه شده به منظور توسعه صنایع کاربر و

اشتغال‌زایی بیشتر در دو بخش کشاورزی و صنعت مورد توجه قرار گرفته و اهمیت بازبینی اساسی در هدف‌گذاری‌های کمی و کیفی در بخش تجاری خارجی به شکل اساسی بیشتر احساس خواهد شد.

وی با بیان توالی‌های رشد اقتصادی در نظریه رشد «لوییس»، افزود: برخی کشورهای در حال توسعه به ویژه در شرق آسیا و به خصوص اندونزی در یک دوره طولانی، آزمایشگاهی برای درک تعاملات بلندمدت میان بازارها، سیاست‌ها و نهادها در رفع معضل بیکاری و درگیر کردن بخش بیشتری از جامعه در منافع رشد اقتصادی بودند.

وی با اشاره به شرایط مشابه اقتصادی ایران و اندونزی اظهار کرد: بخش عمده‌ای از تجربه‌های سیاست‌گذاری در این کشور برای ایران نیز قابل تجویز است.

مالکی ضمن توضیح نحوه بسط نظریه رشد «لوییس» و کاربردی کردن آن در قالب نظریه «ملور» مراحل سه‌گانه سیاست‌گذاری اندونزی در استفاده از راهبردهای تجاری در اشتغال زایی را تحت عنوان «مرحله توسعه قابلیت‌ها»، «مرحله کاهش هزینه‌های معاملاتی» و «مرحله تثبیت تقاضا» عنوان کرد.

الگوی «ملور» در واقع نسخه‌ای سه بخشی از الگوی استاندارد «لوییس» در زمینه اقتصادهای دوگانه است. در الگوی «ملور» دو بخش قابل مبادله صنعتی و کشاورزی و یک بخش غیرقابل مبادله غیررسمی وجود دارد. بخش کشاورزی از تکنولوژی مدرن استفاده نموده و توسط مکانیزم بازار هدایت می‌شود که نوعی عزیمت از بخش کشاورزی سنتی است که توسط «لوییس» تصور می‌شد. بخش غیرقابل مبادله که غیررسمی است نسبتاً جدای از بخش‌های قابل مبادله قرار دارد. بخش غیرقابل مبادله که اکثریت «ارتش بیکاران» و فقرا را در خود دارد، با محدودیت تقاضا مواجه است. توسعه بخشی و اشتغال زایی بخش غیرقابل مبادله بستگی به دسترسی بهتر به سرمایه یا مهارت‌های مدیریتی ندارد، بلکه وابسته به قدرت خرید بیشتر مصرف‌کنندگان است. دو بخش قابل مبادله به واسطه برخورداری از پتانسیل کسب سریع منافع بهره‌وری، موتورهای رشد اقتصادی محسوب می‌شوند. ارتباط دادن دو بخش قابل مبادله با بخش غیرقابل مبادله «کلید» دستیابی به کشش ارتباطی بالا بین رشد عمومی اقتصادی و اشتغال زایی است.

عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی افزود: با درک توالی‌های دقیق توسعه اقتصادی و شناخت جایگاه ایران به عنوان کشوری با خیل ارتش بیکاران و بهره‌وری پایین تولید در این توالی، ضرورت دارد تا هدف‌گذاری اشتغال زایی در دو بخش کشاورزی و صنعت که بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران در انتهای سال ۱۳۹۵ جمعا ۵۰ درصد اشتغال را به خود اختصاص می‌دهند، مد نظر قرار گیرد چراکه مسلم است بخش خدمات غیرتجاری به دلیل ظرفیت‌های پایین سیاست‌گذاری دولتی در اثرگذاری بر این بخش و غیرمولد بودن بخش عمده‌ای از فعالیت‌های آن، ظرفیت بالایی برای اشتغال‌زایی بیشتر ندارد.

وی ادامه داد: چنانچه شرایط اقتصادی و مرتبه توسعه یافتگی کشور به خوبی درک شود، آنگاه بکارگیری الگوهای موثر و امتحان پس داده‌ای مانند الگوی «ملور» می‌توان ظرف یک نسل معضل بیکاری را در اقتصاد کشور برطرف کرد. شناسایی زیربخش‌های دارای بازار و توان صادراتی در هر دو بخش کشاورزی و صنعتی، شناسایی آنها به عنوان موتورهای رشد اقتصادی در مرحله اول، سرمایه‌گذاری‌های کاربر دولت در امور زیرساختی این زیربخش‌ها با هدف کاهش هزینه‌های معاملاتی و دسترسی بهتر به بازارهای داخل و خارج در مرحله دوم و استفاده از ابزارهای مدیریتی تثبیت بازار به ویژه مدیریت نرخ ارز در مرحله سوم تنها بخشی از پیام‌های الگوی «ملور» برای اقتصاد ایران به منظور بهره‌برداری از سیاست‌های تجاری در هر دو حوزه خرد و کلان اقتصادی جهت رفع مشکل اشتغال و توزیع بهتر منافع رشد اقتصادی هستند.